

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

عوامل تشدیدکننده‌ی خسارت گناه

اکنون که معصیت و آثار خسارت‌بار آن را تا حدودی شناختیم، به عواملی می‌پردازیم که این آثار خسارت‌بار را تشدید می‌کند. عوامل تشدیدکننده‌ی خسارات معصیت چیست؟ به چند نمونه از اینها اشاره می‌کنم.

اولین عامل، عالماً و عامداً، آگاهانه، با برنامه‌ریزی و تدارک قبلی به‌سوی گناه رفتن است. ببینید یک‌وقت فرد می‌خواهد برود دنبال کارش و قصد معصیت هم ندارد، ولی سر راهش صحنه‌ی معصیتی هم پیش می‌آید، او هم به شهوت یا نفسش غلبه نمی‌کند، از نفسش زمین می‌خورد و معصیتی می‌کند. او برای گناه تدارک ندیده بود، با علم و عمد و برنامه‌ریزی قبلی هم سراغ گناه نرفته بود. اما فردی دیگر نه، از پیش می‌نشیند نقشه می‌کشد، و با علم و عمد برای انجام یک معصیت برنامه می‌ریزد؛ این با علم و عمد به‌سمت معصیت رفتن، یکی از عوامل تشدیدکننده‌ی خسارات معاصی است. هم ضرر آن گناه را ایجاد می‌کند و هم توفیق را از انسان سلب می‌کند.

دومین عامل، انس با گناه است؛ یعنی انسان مدّت طولانی‌یی با گناه و معصیت انس بگیرد. این هم خسارات عجیبی ایجاد می‌کند. اولاً انسانی که با گناه انس گرفت، به‌تدریج مدام راحت‌تر گناه می‌کند. آن معصیت را یادت هست دفعه‌ی اولی که داشتی می‌کردی، همه‌ی وجودت می‌لرزید؟! بار دوم که معصیت کردی، آن قدر نلرزید! بار سوم از آن هم راحت‌تر، بار چهارم و پنجم و دهم که اصلاً مثل آب

خوردن تکرار شد. انس با گناه سبب می‌شود که دیگر معصیت برای انسان روان می‌شود و بعد ممکن است کار به جایی برسد که به یک اعتیاد غیر قابل ترک تبدیل شود. مثلاً اگر به دست فردی که سیگاری نیست، یک سیگار بدهی و بگویی بکش؛ بین با چه زجری سیگار می‌کشد! کلی سرفه می‌کند و سرش گیج می‌رود، بار دوم یک‌خرده کمتر و بار سوم کمتر. یک‌مدت که کشیدی، معتاد به سیگار می‌شود و دیگر روان سیگار می‌کشد و گاهی اوقات کار اعتیاد به جایی می‌رسد که دیگر غیر قابل ترک می‌شود. مثلاً اگر بعضی از این پیرمرد یا پیرزن‌ها که ۵۰ یا ۶۰ سال است که تریاک کشیده‌اند، پیش دکتر بیاوریدشان، دکتر هم می‌گوید فیزیک بدن او دیگر اجازه‌ی ترک به اعتیاد نمی‌دهد. خود دکتر تجویز می‌کند که چند سال باقی‌مانده‌ی عمرش هم تریاک را بکشد و دیگر قابل ترک نیست. پناه می‌بریم به خدا که انسان در اثر انس به گناه، کارش به اینجا بکشد! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **تَرَكَ الدَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ**^۱ ترک گناه خیلی ساده‌تر از توبه کردن است. یعنی نرفتن به سمت اعتیاد، خیلی راحت‌تر از ترک اعتیاد است.

سومین چیزی که تشدیدکننده‌ی خسارات معاصی است، تسویف گفتن یعنی سوف سوف گفتن؛ یعنی حالا بعداً، بعداً! یعنی توبه را به تأخیر انداختن. که در حدیث داریم که بیشترین چیزی که فریاد اهل دوزخ از آن بلند است، همین تسویف است. به فکر توبه افتادند، اما گفتند حالا باشد برای بعد، حالا وقت بسیار است. حالا جوانیم بگذار یک‌مقدار کیف کنیم و از جوانی لذت ببریم، حرف‌های شما هم درست است، ان شاء الله بعداً توبه می‌کنیم و خیلی هم انسان خوبی می‌شویم. همین تسویف است. این تسویف ضررهای بزرگی دارد؛ یکی اینکه فرد را کم‌کم به همان اعتیاد غیر قابل ترک می‌کشاند. شما هرچه زودتر ترک اعتیاد کنید، کار برای شما ساده‌تر است؛ هرچه دوران اعتیاد شما طولانی‌تر باشد،

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۵۰۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۶۴ و کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۸۵.

ترک اعتیاد دشوارتر است، و توبه سخت‌تر خواهد بود. مضافاً بر اینکه چه کسی به شما قول داده که تا آن‌موقع زنده باشید که توبه کنید؟! این چه دروغی است که به خودت داری می‌گویی؟! تعارف که نداریم! حرف‌ها را صریح بزنیم! در همین راهروی دانشکده شما، هرچند وقت یک‌بار یک آگهی تسلیت از یکی از هم‌کلاسی‌های خودتان را نمی‌بینید؟! اینها که دیگر تعارف ندارد! چه کسی گفته که آگهی بعدی مال من و شما نیست؟! باید واقع‌بین بود! فرار از واقعیت‌ها، واقعیت‌ها را که تغییر نمی‌دهد! ان‌شاءالله که شما تا ۱۲۰ سال هم زنده باشید، اما تعارف ندارد! مرگ، هر لحظه در کمین ماست! هر لحظه ممکن است لحظه‌ی آخر عمر ما باشد! این که بعدها توبه می‌کنیم و انسان خوبی می‌شویم، دروغی است که به خودمان می‌گوییم. همین‌الآن بهشت زهرای تهران را ببینید! روی قبرها که قدم می‌زنید، تاریخ تولد اینها را بخوانید! من که آنجا می‌روم می‌بینم کم‌کم تعداد جوان‌هایی که دارند می‌میرند بیشتر از پیرهاست. اینها حرف‌هایی است که به‌عنوان واقعیت‌هایی وجود دارد. یعنی یک‌سری گناهان است که جوان‌مرگ شدن از تبعات آن است و پیش می‌آید. حالا عوامل طبیعی و زیستی هم وجود دارد که عامل مرگ‌های در سن جوانی است. هر دوی این عوامل می‌تواند ظاهر و باطن یک مرگ را شکل دهد. بنابراین سومین نکته‌ی این حقیقت، تسویف است. اینکه کسی می‌گوید حالا باشد بعداً، فعلاً یک‌خرده گناهانمان را ادامه بدهیم، بعداً توبه می‌کنیم، جرأتش برای گناه کردن زیاد می‌شود. جرأت انجام این گناه که در او زیاد شد، جرأت ارتکاب سایر گناهان هم در او ایجاد می‌شود.

چهارمین عاملی که به‌عنوان عامل تشدیدکننده است، مصرانه گناه کردن و اصرار بر گناه است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی علامت‌های شقاوت و نگون‌بختی را بیان کردند؛ فرمودند: **مِنْ عِلْمَاتِ الشَّقَاءِ**: از علائم شقاوت چه چیزهایی است: **أَوَّلُ فَرْمُودُنْدُ: جُمُودُ الْعَيْنِ**: چشم انسان می‌خشکد، دوم **وَ فَسْوَةُ الْقَلْبِ**: دل سنگ می‌شود، انسان سنگدل می‌شود. سوم **وَ شِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ**: انسان برای پول

در آوردن، زیاد حرص می‌زند، و چهارم **وَ الْإِصْرُ عَلَى الذَّنْبِ**:^۲ مصرّانه گناه کردن و اصرار بر گناه است. اینها از علائم بدبختی است. لذا در حدیث هم داریم که: **لَا كَبِيرَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ لَا صَغِيرَ مَعَ الْإِصْرَارِ**:^۳ یعنی با وجود استغفار، هیچ گناه کبیره‌ای هم در نامه‌ی عمل انسان باقی نمی‌ماند، امّا هنگامی که انسان مصرّانه گناه انجام دهد، دیگر هیچ گناه صغیره‌ای برای او باقی نمی‌ماند؛ چون گناه صغیره را به قصد اصرار، یعنی مصرّانه انجام دادن، آن را به یک گناه کبیره تبدیل می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **أَعْظَمُ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ ذَنْبٌ أَصَرَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ**:^۴ بزرگترین گناهان در نزد خدا، گناهی است که انجام دهنده‌ی آن در انجام دادن آن مصر است. در حدیث دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: **عَجِبْتُ لِمَنْ عَلِمَ شِدَّةَ انْتِقَامِ اللَّهِ مِنْهُ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَى الْإِصْرَارِ**:^۵ من متعجب و در شگفتم از فردی که از شدت انتقام الهی خبر دارد، می‌داند در باطن این معصیت چه می‌گذرد، باز هم در مقام اصرار اقامت می‌کند و بر اقامت گناه مصر است.

ببینید، انسان‌های خوب از دید قرآن، انسان‌هایی نیستند که حتماً معصوم باشند. نه، بالأخره ما که معصوم نیستیم، ممکن است بعضی وقت‌ها از نفسمان زمین بخوریم و معصیتی هم مرتکب شویم. امّا قرآن فرمود: **وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ**: انسان خوب، انسانی که وقتی که مرتکب معصیت و عمل غیر اخلاقی شد، گناهی کرد و به خودش ستم کرد، **ذَكَرُوا اللَّهَ**: بلافاصله بعد از اتمام گناه، راه خدا را در پیش گیرد. **فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ**: بلافاصله هم استغفار کند که خدایا ببخش و

۲. صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۴۳ و با اندکی تفاوت: کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۰ و ابن شعبه‌ی حرّانی، تحف العقول، ص ۴۷.

۳. صدوق، امالی، ص ۴۳۳؛ ورام‌بن‌ابی‌فراس، مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۲۶۴ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۱۴.

۴. تمیمی‌آمدی، تصنیف‌غررالحکم ودررالکلم، ص ۱۸۷؛ محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶۸ و لیشی، عیون‌الحکم، ص ۱۱۲.

۵. تمیمی‌آمدی، تصنیف‌غررالحکم ودررالکلم، ص ۱۶۶ و با اندکی تفاوت: لیشی، عیون‌الحکم، ص ۳۲۹.

شمرنده‌ام! بعد فرمود: **وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ**: چه کار خوبی هم می‌کند، غیر خدا کیست که گناه را ببخشد؟! و بعد فرمود: **وَلَمْ يُصِرُّوا عَلٰی مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ**: گناه که کرد، استغفار می‌کند و آگاهانه هم اصرار بر ادامه‌ی گناه نمی‌کند، او انسان خوبی است. بنابراین اصرار در گناه کم‌کم به اینجا منجر می‌شود که فرد، گناه را اصلاً چیز مهمی تلقی نکند. کوچک شمردن گناه، خودش یکی از عوامل تشدید خسارات گناه است.

پنجمین عامل، کوچک شمردن گناه است. امام باقر علیه السلام فرمود: **لَا مُصِيبَةَ كَاسِيهَا تَبِكَ بِالذَّنْبِ وَ رِضَاكَ بِالْحَالَةِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا**^۷ هیچ مصیبتی به پای این مصیبت نمی‌رسد که گناه در نظر تو کوچک باشد، چیز بی‌اهمیتی باشد، به همین حالی که خودت هستی، راضی باشی، ناراحت نباشی. روزی پیغمبر اکرم به اصحاب رو کردند و فرمودند: **اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّهَا لَا تُغْفَرُ**: بپرهیزید از آن گناهایی که کوچک شمرده شده، چرا که آنها هیچ‌وقت بخشیده نمی‌شود. عرض کردند: **وَ مَا الْمُحَقَّرَاتُ**: منظورتان از گناهایی که کوچک شمرده شده‌اند، چه گناهایی است؟ حضرت فرمود: مقصود آن گناهی است که **الرَّجُلُ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَقُولُ طُوبَى لِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ**^۸: فرمود شخص مرتکب گناه می‌شود و بعد می‌گوید ای کاش همه‌ی گناهان ما این‌گونه بود! فرمود: همه‌ی گناهان ممکن است بخشیده شود اما این یک گناه بخشیده نمی‌شود. گناه کوچک شمرده شده، یعنی گناهی که فرد آن را خیلی مهم تلقی نکند و بگوید ای کاش همه‌ی گناهانم این‌گونه بود، و ای کاش گناهی غیر از این نداشتم.

۶. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۵.

۷. ابن‌شعبه‌ی حرّانی، تحف‌العقول، ص ۲۸۶؛ فیض‌کاشانی، وافی، ج ۲۶، ص ۲۶۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۵.

۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ابن‌شعبه‌ی حرّانی، تحف‌العقول، ص ۵ و مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۰، ص ۶۸.

در حدیث قدسی خدای متعال فرمود: **لَا تَنْظُرُوا إِلَى صِغَرِ الذَّنْبِ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَنْ اجْتَرَأْتُمْ**^۹ نگاه به کوچکی نگاه نکنید، نگاه به این کنید که جرأت کردید فرمان چه کسی را زیر پا بگذارید! یکوقت دستور یک کارمند جزء یک مؤسسه را زیر پا می‌گذارید، یکوقت دستور رئیس یک مؤسسه را زیر پا می‌گذارید، یکوقت دستور وزیر را زیر پا می‌گذارید، یکوقت دستور رئیس جمهور را زیر پا می‌گذارید، یکوقت دستور رهبر را زیر پا می‌گذارید، یکوقت دستور امام معصوم را زیر پا می‌گذارید، یکوقت دستور پیغمبر را زیر پا می‌گذارید، و یکوقت هم دستور خدا را! محتوای دستور یکی است، اما به تناسب دستوردهنده، هرچه مقام بزرگتر باشد، تخلف از آن دستور عظیم‌تر می‌شود. فرمود: نگاه نکن به کوچکی گناه، نگاه کن ببین جرأت کرده‌ای فرمان چه کسی را زیر پا بگذاری! اگر این‌گونه نگاه کنید دیگه کدام گناه کوچک است؟ امیرالمؤمنین فرمود: **أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَحَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ**^{۱۰} شدیدترین گناهان، گناهی است که صاحب آن گناه، آن را حقیر و کوچک می‌شمارد. و امام رضا علیه السلام فرمود: **الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكَبَائِرِ**: گناهان کوچک، راهی است به سوی گناهان بزرگ. آنهایی که الآن هروئین می‌کشند، با یک سیگار شروع کردند. آنهایی که الآن در دریای معصیت غوطه‌ور هستند، این راه را با یک گناه صغیره‌ی کوچک شروع کردند. فرمود: گناهان صغیره، راهی به سوی گناهان کبیره است. **وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ**^{۱۱} کسی که در کوچک، از خدا ترس به دل راه نمی‌دهد، در هنگام گناه بزرگش هم ترسی به دل راه نمی‌دهد.

۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۸ و با اندکی تفاوت: کراچی، محمدبن علی، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۵۵ و دیلمی،

حسن بن محمد، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، ص ۱۶۹.

۱۰. خوئی، منهاج البراعه، ج ۲۱، ص ۵۴۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۶۴ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۲.

۱۱. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۰ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۴.

ششمین عامل تشدیدکننده‌ی خسارات گناه، تجاهر به گناه است. یعنی علنی گناه کردن، به رخ دیگران کشیدن، سینه سپر کردن، با افتخار که بله! ما این کاره‌ایم! انجام می‌دهیم! مگر چیست! این‌گونه گناه کردن. این را هم خدا می‌داند که چقدر چیز خطرناکی است! این خطرش دیگر مربوط به خود گناهکار هم نمی‌شود؛ هم خود گناهکار را رو به نابودی می‌کشاند، و هم جامعه را نابود می‌کند. چرا؟ چون انسانی که علنی و جسورانه گناه می‌کند، فرق می‌کند با کسی که اهل معصیت هم هست، ولی بالأخره مخفیانه و یواشکی، با خجالت و سرشکستی آن گناه را می‌کند، اما یک فرد است که نه! سینه‌ی سپر جلوی جامعه می‌آید و می‌گوید بله! ما گناه می‌کنیم! خیلی هم افتخار می‌کنیم! این فرد قبح گناه را در نظر دیگران هم می‌ریزد. پیغمبر اکرم فرمود: هیچ جنایتی بر مسلمانان بالاتر از این نیست که قبح گناه را در نظر آنها بریزی و معصیت را در چشم آنها آسان کنی. کسی که تجاهر به گناه می‌کند، سبب می‌شود که زمینه‌ی رواج گناه در جامعه فراهم شود. همین الآن، تعارف که نداریم! برخی از گناهانی که الآن این‌قدر رایج شده که اصلاً بسیاری از افرادی که آلوده به آن گناه هستند، اصلاً احساس اینکه دارند گناه می‌کنند را ندارند! یک چیز خیلی عادی شده است! در حالی که معصیت است! یعنی باطن آتشین این عمل، حتی اگر همه انجام دهند که فرقی نمی‌کند! اگر همه سیانور بخورند، همه را می‌کشد، اگر یک نفر هم سیانور بخورد، آن یک نفر را هم می‌کشد! اینکه همه می‌خورند، کشندگی سیانور را که از بین نمی‌برد! باطن این معصیت سر جایش است. اما چه شده که این‌قدر رایج شده؟! چه شده که کم‌کم دیگر کسی اصلاً احساس گناه بودن آن عمل را ندارد؟

نمونه بگویم برای شما، هم در آقایان هست و هم در خانم‌ها، و متأسفانه بلاهایی است که به جان جامعه‌ی ما افتاده است. نمونه‌اش مثلاً سست شدن حجاب الآن در خانم‌ها. این سست شدن حجاب، بعضی از این خواهرهای دانشجو که می‌آیند با من صحبت می‌کنند، خب من می‌بینم که او واقعاً نمازخوان و متدین، خوش‌قلب، پاک و خوش‌اخلاق است؛ اما می‌بینم توجه و دقتی که سابق می‌شد که

مثلاً موهای جلو از زیر روسری و مقنعه پیدا نباشد، با اینکه کاملاً هم متدین هست، آن قدر دیگر توجه و مواظبت به این قضیه ندارد. چرا؟ چون این قدر بی حجابی عمومی شده که اصلاً احساس گناه بودن نسبت به آن کم کم از بین رفته است. خب چه شد که این گونه عمومی شد که این احساس گناه بودن این طور از بین رفت؟! روز اول که این گونه نبود؛ حالا سنّ شما اجازه نمی دهد، یعنی اول انقلاب، که انقلاب پیروز شد، این گونه نیست که بگوییم فردای پیروزی انقلاب همه ی مردم نماز شب خوان، اهل تقوا و طاعت شدند! نخیر! همان هایی که تا شب پیروزی انقلاب، پای مهستی و گوگوش و هاید، و در دانسینگ ها کنار میزهای عرق خوری و ورق بازی و امثال اینها مشغول بودند، اینها که یک شبه که اهل تقوا و تهجد و عبادت نشدند! اینها همان انسان های قبلی بودند؛ افرادی که بی حجاب در خیابان ها می رفتند، بی پروا در کنار دریاها خودنمایی می کردند، اینها فردای انقلاب، زاهد و عابد و مسلمان نشدند که! اینها همان انسان های قبلی بودند. اما هیمنه و شکوه انقلاب سبب شد که اینها دیگر جرأت نکنند گناه خودشان را در جامعه، علنی انجام دهند. و الا در خانه هایشان همان کثافت کاری ها و فسق و فجورها بود، در مهمانی هایشان نه حجابی بود و نه عفاف! هیچ چیز نبود! اما از در خانه که بیرون می آمدند، هیمنه ی انقلاب به گونه ای بود که اینها جرأت نمی کردند بدحجابی و خودنمایی کنند. سال های اول انقلاب این گونه بود. تا اینکه کم کم جنگ تمام شد و گفتند دوران سازندگی، و گل و بلبل، و جامعه را باید شاد کرد و از این حرف ها. حرف های قشنگ، زمینه ی انضباط اخلاقی و پایبندی به ارزش های اخلاقی را در جامعه سست کرد. هنگامی که این گونه شد، چه کسی بدحجابی را شروع کرد؟ همان فردی که داشت در بیرون شهر یا در خانه اش، در پشت پرده همه کار می کرد. اما حالا او جرأت کرد که که کم کم در جامعه مقنعه اش گشاد شود، از این طرف برود تا فرق سرش، و از آن طرف هم تا زیر سینه اش را نشان دهد. بعد کم کم مقنعه به روسری تبدیل شود، و گره روسری هم باز شود و از دو طرف آویزان شود، و بعد هم روسری عقب برود و هیچی! گفتم این فرد هیچ وقت اهل حجاب نبود، اما در این شرایط جدید چه اتفاقی افتاد؟ کم کم قبح این عمل در نظر دیگران ریخت. قبحش که

ریخت، لذا کم‌کم دیگرانی که واقعاً اهل تقوا بودند، اهل خوبی و پاکی بودند، اهل دیانت و نماز و عبادت بودند، آنها هم آن‌قدر این صحنه‌ها را در کوچه و خیابان و این طرف و آن طرف دیدند که دیگر اهمیت این قضیه از نظرشان رفت. لذا کم‌کم بی‌حجابی رایج شد.

خیلی از معاصی، این‌گونه رایج می‌شود. تجاهر به گناه، زمین‌های رواج گناه است، زمین‌های رواج گناه است. و رواج گناه، به‌هیچ‌وجه از صدمات و خسارات گناه نمی‌کاهد؛ یعنی عظمت باطن این گناه، سر جایش هست. گفتم اینها را که برای شما می‌گویم، قصه نیست! ان‌شاءالله چشم همه‌یمان، اگر در این دنیا هم با موت اختیاری باز نشود، بالأخره روزی با موت اضطراری که همه چشمانشان باز می‌شود، و خواهیم دید که اینها افسانه نیست، بلکه واقعیت است! ولو ما به آن بی‌اعتنا باشیم. البته وقتی که انسان گناه صغیره را به قصد اظهار می‌کند، خود این گناه صغیره، در نامه‌ی اعمالش به‌عنوان گناه کبیره ثبت می‌شود. در واقع تجاهر به گناه، نوعی گستاخی در برابر خداست! نوعی قد کشیدن و قد افراشتن در برابر خداست! که یعنی خدایا تو ببین که گفتمی فلان کار را انجام بده، من هم انجام نمی‌دهم! یعنی اصلاً جسارت ورزیدن در پیش خدا است! به جنگ خدا رفتن است! این غیر از این است که کسی جایی زورش به خودش نرسید و از نفسش زمین خورد و با شرمندگی گناهی کرد. البته نقطه‌ی مقابل این تجاهر به گناه را هم بگوییم؛ و این بدین معنا نیست که انسان‌هایی که ظاهر مقدّس‌نمایی دارند و می‌روند پشت پرده و معصیت می‌کنند، انسان‌های خوبیند! نه!

واعظان کین جلو در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

این هم چیز خوبی نیست. یعنی همان‌گونه که تجاهر به معصیت، چیز خطرناکی است، سالوس و مقدّس‌نمایی، دورویی و نفاق هم چیز بسیار خطرناکی است! چرا؟ علتش این است که این فرد برای خدا اعتباری قائل نیست! اینکه مردم ببینند برایش مهم است! لذا جلوی چشم مردم گناه نمی‌کند، اما

در آن خلوتی که دارد گناه می‌کند، خدا که هست و دارد می‌بیند! پس برای خدا ارزشی قائل نیست، بلکه برای قضاوت مردم ارزش قائل است! کسی که برای خدا ارزشی قائل نیست، خدا هم برای او ارزشی قائل نیست. عین همین تعبیر در روایات آمده است؛ حضرت باقر علیه السلام فرمود: **مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَعْبَأِ اللَّهُ بِهِ:**^{۱۲} کسی که در خلوت گناه می‌کند، خدا اعتباری برای او قائل نیست. یا امیرالمؤمنین فرمود: **اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ:**^{۱۳} از گناه در خلوت‌ها خیلی بترسید! چرا؟ چون همان کسی که قرار است حکم صادر کند و قضاوت کند، سر صحنه‌ی جرم حضور دارد و دارد می‌بیند. اهل تقوی و اهل ایمان، ظاهر و باطنشان یکی است. همه‌جا خدا را می‌بینند، و از ارتکاب گناه حیا می‌کنند.

به آخرین موردی که از عوامل تشدیدکننده‌ی خسارات گناه است اشاره کنیم و دیگر بحث را جمع کنیم. این عامل، خشنودی از گناه است. این دیگر مرگ روح است. ببینید، بدن انسان از معصیت لذت می‌برد. یعنی این الاغی که سوارش هستیم، بالأخره گاه و یونجه‌ی حرامی که می‌خورد، شکمش پر می‌شود و لذت می‌برد. لذت جسمانی، شهوی و غریزی را نمی‌گوییم، لذت روح از گناه را می‌گوییم. ببینید، انسان مؤمن محال است روحاً گناه را دوست بدارد، ولو جسماً از گناه لذت می‌برد. شهوت، یعنی اشتها داشتن به گناه دیگر. حیوان است، یعنی جنبه‌ی حیوانی او به گناه شهوت و اشتها دارد، اما روحش زجر می‌کشد. دلیلش هم این است که همان موقع که دارد گناه می‌کند، همه‌ی وجودش دارد می‌لرزد، تا گناه تمام شد، آه محکمی می‌کشد؛ می‌گوید آخر این چه کاری بود من کردم؟! این شرمندگی، این ندامت و پشیمانی، نشان‌دهنده‌ی این است که ایمان در وجود این انسان هست. در

۱۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۷؛ قمی، سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۲۱ و قطب‌الدین‌راوندی، الخرائج والجرائج، ج ۲، ص ۵۹۴.

۱۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۵۳۲؛ لثی، عیون‌الحکم، ص ۹۰؛ ورام‌بن‌ابی‌فراس، مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۱۵۴ و مجلسی،

بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۶۴.

حدیث داریم امام باقر علیه السلام فرمود: **مَنْ سَرَّتَهُ حَسَنَتُهُ وَ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ**^{۱۴} کسی که وقتی کار خوبی می‌کند؛ به فرد نیازمندی کمک می‌کند، یا دو رکعت نماز می‌خواند، عمل خوبی انجام می‌دهد، در خودش احساس نشاط روحی می‌کند، و وقتی معصیت کرد، دلی را شکست، غیبتی کرد، گناهی کرد، در خودش احساس گرفتگی می‌کند، او مؤمن است و ایمان دارد. پناه به خدا که انسان این حال را از دست دهد! یعنی وقتی گناه می‌کند، در خودش احساس نشاط روحی کند، آن دیگر مرگ اوست! مؤمن محال است که گناه را دوست بدارد! ممکن است گناه را از روی فشار شهوات و جنبه‌های حیوانی مرتکب شود، اما روحاً محال است گناه را دوست بدارد! و اگر کار انسان به جایی برسد که روحاً هم گناه را دوست بدارد، یعنی این انسان دیگر کارش تمام شده است. همان **لَمْ يَرْجِعْ إِلَى الْخَيْرِ** **أَبَدًا**^{۱۵} او دیگر بازگشت به سمت خیر ندارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۳۲؛ صدوق، توحید، ص ۴۰۸؛ بحرانی، برهان، ج ۳، ص ۸۱۳ و مجلسی، مرآة العقول، ج ۹، ص ۲۳۷.

۱۵. با اندکی تفاوت: مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۳۲؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۷۳ و بحرانی، برهان، ج ۵، ص ۶۱۳. **(لَمْ يَرْجِعْ**

صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا)